

حکیده پایان نامه ها

به کوشش: دفتر پژوهش مؤسسه

فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی قرآن

استاد راهنما: آیه الله محمد هادی معرفت

استاد مشاور: سید محمد تقی آل سید غفور

دانشجو: عبد الله نظرزاده اوغاز

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

از آن جا که قرآن کریم، کتاب الهی مسلمانان، حاوی قواعد و قوانین الهی برای تأمین سعادت بشری است، که غایت هر جامعه و نظام سیاسی اسلامی نیز می باشد، مبانی و اصول علوم انسانی بر مبنای اندیشه اسلامی را باید در آیات قرآنی جست و جو کرد، به خصوص در علوم سیاسی که تدبیر امور جامعه انسانی را بر عهده دارد.

برای ورود عالمان و دانشوران سیاسی در محضر قرآن و تدبیر در آیات الهی، اولین قدم، آشنایی دقیق و فهم مراد و معنای حقیقی اصطلاحات و واژه های قرآنی است که بر مفاهیم سیاسی دلالت نموده و به مخاطبان منتقل می کنند. این پژوهش، عهده دار «تبیین معنای اصطلاحات و واژه های سیاسی قرآن کریم» و تا حد امکان، معادل یابی آنها در علوم سیاسی و همچنین ارائه این اصطلاحات در چارچوب یک مدل و چارچوب سیاسی است.

برای رسیدن به معنای حقیقی و همچنین معادل یابی مناسب هر اصطلاح، از روش

«زبان‌شناسانه قومی» (Ethnolinguistics) که «توشیهیکو ایزوتسو» دین‌شناس و قرآن‌پژوه ژاپنی در تحلیل «مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن کریم از آن بهره‌گرفته، استفاده شده است. بر این اساس، در فصل اول این پژوهش، حدود چهارصد اصطلاح و واژه سیاسی قرآنی ریشه‌یابی، معادل‌یابی و تحلیل شده‌اند.

با توجه به وجود نظریات و تفکراتی که قرآن کریم را کتابی غیرسیاسی و مرتبط با حوزه فردی و معنوی انسان قلمداد می‌کنند، در فصل دوم، با به‌کارگیری «تحلیل گفتمانی» (Discourse Analysis) به عنوان «تکنیک و چارچوب»، برای سامان‌دهی اصطلاحات سیاسی قرآن در گفتمان‌های سیاسی، در صدد اثبات این فرضیه بوده‌ایم که قرآن کریم، در ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی حاوی مقررات، الزامات و قوانینی است که حداقل، حکومت اسلامی «مدینه الرسول» را سامان داده و در دوره‌ای از تاریخ اسلام، این گفتمان سیاسی را حاکمیت بخشیده است. سامان‌دهی گفتمان‌های سیاسی قرآن، در فصل دوم بر اساس محورهای زیر است: گفتمان نهادسازی و اقتدار بخشی، کار ویژه‌های دولت، آسیب‌شناسی و دشمن‌شناسی، فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری، دشمن‌ستیزی و عوامل مؤثر بر تحولات سیاسی و اجتماعی.

روش و نظریه سیاسی‌ای که عامل ارتباط دهنده و هماهنگ‌کننده گفتمان‌های قرآنی است، نظریه سیاسی هنجاری (Normative) با رهیافت اجتماع‌گرایی است که در آن، کشف یا کاربرد اندیشه‌های اخلاقی در عرصه روابط سیاسی، به عنوان اصل مطرح است، و به باورها و کنش‌ها و رفتارهای انسان وضعیت‌مند (Situating Self) که در جامعه ساخته و تربیت می‌شود و برای خیر و نفع عمومی و مشترک تلاش می‌کند، توجه دارد. در واقع، سیر تکوین این پژوهش، از لحاظ روشی، عکس ترتیب ذکر شده در چکیده بوده است؛ یعنی، بر اساس نظریه سیاسی هنجاری، اصطلاحات مورد نظر از قرآن کریم، استخراج و با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان، چینش و بر طبق نظریه «زبان‌شناسانه قومی» تحلیل شده‌اند.

جامعه مدنی و اندیشه دینی

استاد راهنما: دکتر سید احمد موثقی

استاد مشاور: دکتر داود فیروزی

دانشجو: علی ملکی

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

یکی از مباحث مهم در جامعه ما، بحث جامعه مدنی است. دیدگاه اندیشه‌های دینی موجود در جامعه، در باره جامعه مدنی چیست؟ در این باره، دو اندیشه دینی سنتی و نوگرا مشخص و تعریف شده‌اند که دیدگاه آنها در باره جامعه مدنی با هم متفاوت است. اندیشه دینی سنتی، جامعه مدنی را که با زمینه‌های فرهنگی و ارزش‌های تمدنی غرب شکل گرفته است، با ارزش‌های دینی قابل جمع نمی‌داند. اما اندیشه دینی نوگرا اموری مانند: فرهنگ سازی، تمدن سازی و... را امری غیر ایدئولوژیک و بشری دانسته و جامعه مدنی را به عنوان دست آورد عقلانی بشر با ارزش‌های دینی قابل جمع می‌داند. در این پژوهش به دو مؤلفه مهم جامعه مدنی، یعنی تکثرگرایی فرهنگی (دینی) و تکثرگرایی اجتماعی (سیاسی) توجه شده است که در تکثرگرایی دینی، دیدگاه دو اندیشه دینی سنتی و نوگرا در باره تکثرگرایی بین ادیان الهی، تکثرگرایی بین مذاهب اسلامی و تکثرگرایی درون مذهبی تشریح شده است.

طرفداران اندیشه دینی سنتی، تکثرگرایی بین ادیان الهی و تکثرگرایی بین مذاهب اسلامی را نپذیرفته تنها تکثرگرایی درون مذهبی را در محدوده مسائل اعتقادی فرعی و ظنی و همین طور احکام فقهی می‌پذیرند. در مقابل، طرفداران اندیشه دینی نوگرا، به دنبال تکثرگرایی در عرصه‌های مختلف هستند.

در تکثرگرایی سیاسی، دیدگاه دو اندیشه دینی سنتی و نوگرا در باره شاخصه‌های مختلف آن مانند امکان جابه‌جایی قدرت، وجود احزاب سیاسی و آزادی (آزادی قلم، بیان، مطبوعات و...) مورد بررسی قرار گرفته است که طرفداران اندیشه دینی سنتی، جابه‌جایی قدرت و احزاب سیاسی را نپذیرفته و رأی مردم در نظر آنها، نقش کارآمدی برای نظام سیاسی دارد. سنت‌گرایان دینی همچنین آزادی را در چارچوب ارزش‌های دینی قابل پذیرش می‌دانند. طرفداران اندیشه دینی نوگرا به شاخصه‌های مختلف

تکثرگرایی سیاسی تأکید کرده و با تأکید بر رأی مردم، به دنبال حکومت دموکراتیک دینی هستند.

از دیدگاه اندیشه سنتی، جامعه مدنی با ارزش‌های دینی سازگاری ندارد؛ اما بر طبق نظر اندیشه دینی نوگرا، جامعه مدنی یکی از دست آوردهای عقلانی بشر بوده و با دین هم سازگاری دارد.

در خلال این مباحث، برای روشن شدن زوایای بحث و طرح دیدگاه‌های دیگر، به دیدگاه برخی اندیشمندان دینی از جمله مرحوم مرتضی مطهری، اشاره شده است که در عین اختلاف نظر با دیدگاه‌های اندیشه سنتی و نوگرا در برخی موارد، افکار و اندیشه‌های آنان با جامعه مدنی مطابقت دارد.

تأثیر ساختار سیاسی بر فرهنگ سیاسی: دوره صفویه

استاد راهنما: دکتر محمود سریع القلم

استاد مشاور: سید محمد تقی آل سید غفور

دانشجو: سید محمد حسین بهشتی

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

این تحقیق بر آن است تا تأثیرات ساختار سیاسی بر فرهنگ سیاسی را در دوره صفویه مورد کنکاش قرار دهد. در این راستا، نگرش پاتریمونالیستی ماکس وبر که نظر به دیوان‌سالاری سنتی دارد و همچنین تقسیم‌بندی گابریل آلموند مبنا قرار گرفته است؛ زیرا ساختار سیاسی در دوره صفویه دارای سلسله مراتب اداری می‌باشد که میراث حکومت قبل از خود می‌باشد، و نیز تقسیم ساختار سیاسی به دو قسمت عمده اهل قلم و اهل شمشیر و قرار گرفتن شاه در رأس ساختار سیاسی، شکل ویژه‌ای از اقتدار سیاسی را در ساختار سیاسی به وجود آورده است که دیوان‌سالاری، ادامه وجودی شاه بوده و گویی روح او در زیردستان حلول کرده است، و حکومت چون قائم به شخص است، از معیارهای شایسته‌سالاری دور مانده است؛ شاه قطب بوده و شرط تقرب به او، وفاداری و اطاعت بی‌قید و شرط می‌باشد. این مسأله در سلسله مراتب طولی نیز وجود دارد که چنین ساختاری، زمینه‌ساز نوعی فرهنگ سیاسی گشته که در آن، رابطه میان دولت و

جامعه، رابطه‌ای اقتدارگرایانه و پیرومنشانه خواهد بود؛ چرا که مردم اتباع حاکم تلقی گشته و حقی برای مشارکت و رقابت ندارند. این خود مانع رشد فرد به لحاظ فرهنگ سیاسی گردیده است؛ زیرا فرد می‌کوشد تا به نحوی از انحاء، رضایت حاکم را به دست آورده و به حریم او نزدیک شود. از این جاست که فضای فرصت‌طلبی و چاپلوسی گسترش می‌یابد. جهت روشن شدن این فرهنگ سیاسی از چگونگی بررسی فرهنگ سیاسی به وسیله آلموند، کمک گرفته‌ایم. زیرا آلموند برای ترسیم فرهنگ سیاسی هر ملتی، آن را در سه سطح از نظام سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ سطح نظام، سطح فرایند و سطح سیاست‌گذاری و در پایان این پژوهش به نمادهای تأثیرگذاری نیز اشاره‌ای شده است. نتیجه این که، ساختار سیاسی صفوی، فرهنگ سیاسی تبعی را به همراه داشته است.

تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

استاد راهنما: سید محمد تقی آل سید غفور

استاد مشاور: دکتر علی رضا صدرا

دانشجو: عباس حیدری بهنوئی

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

شکل‌گیری اجتهاد دین‌شناختی جامع و ناب، گفتمان ولایت را در فقه سیاسی شیعه از دوره مشروطیت به بعد، مسلط ساخت و گفتمان حسبه را در حاشیه قرار داد. بیان ویژگی‌های این اجتهاد جدید و آثار آن، هرچه باشد، برای این پژوهش اهمیت زیادی ندارد؛ بلکه آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، بیان عوامل شکل‌گیری این اجتهاد است.

این پژوهش همراه با ملاحظه بعضی از اصول معرفت‌شناسی و بایدها و نبایدهای مکتب هرمنوتیک، چارچوب نظری را طراحی می‌کند و در پرتو آن، عوامل زیر را به عنوان عوامل ذهنی و عینی شکل‌گیری اجتهاد جدید در فقه سیاسی شیعه در دوره مورد نظر شناسایی می‌کند.

۱- بسط تحقیقات اصولی؛ ۲- گرایش فلسفی فقها؛ ۳- افزایش نفوذ اجتماعی فقها؛

دولت در اندیشه سیاسی فارابی

استاد راهنما: دکتر علی رضا صدرا

استاد مشاور: نجف لکزایی

دانشجو: محسن مهاجرنیا

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

دولت (حکومت) جوهره فلسفه سیاسی فارابی و علم موجدۀ اجتماع مدنی اوست. در نقطه مرکزی حکومت مطلوب (در الگوی برتر حکومت)، استعداد فائده و عقل مستفادی قرار دارد که با «روح القدس» و «عقل فعال» در ارتباط است و مجرای فیضان انوار قدسی برای استكمال نفوس «اهل مدینه فاضله» است تا همه عقول منفعل را به فعلیت رسانده و با وضع «آیین فاضله» و ترویج «آراء فاضله» زمینه نیل به سعادت را فراهم آورد.

معلم ثانی اجتماعی مدنی و دولت را از منظر عناصر جمعیت، قلمرو، حکومت و حاکمیت در سه سطح ملی (مدینه)، منطقه‌ای (امت) و جهانی (معموره ارض) طراحی کرده است و از منظر حکومت فاضله و حاکمان سیاسی پنج مدل حکومتی را به صورت علی‌البدل برای اداره جامعه پیشنهاد کرده است. نوع اول حکومت فاضله، «ریاست اولی» به رهبری «رئیس اول» که مقصود از آن حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. نوع دوم حکومت فاضله، «ریاست تابعه مماثل» به رهبری «رئیس مماثل» که مقصود حکومت «امامان معصوم» می‌باشد.

نوع سوم از حکومت فاضله، «ریاست سنت» است که به زعامت فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد نوع چهارم حکومت فاضله «رؤسای سنت» به زعامت دو نفر کارشناس است که یکی از آنها فقیه می‌باشد. آخرین نوع حکومت فاضله، «رؤسای افاضل» است که به رهبری حداکثر شش کارشناس که یکی از آنها لزوماً باید فقیه باشد. هر کدام از این حکومت‌ها می‌تواند در قالب یکی از آن سطوح دولت تشکیل شود. ارایه گونه‌های

مختلف حکومت بیان‌گر رویکرد واقع‌گرایانه معلم ثانی نسبت به اوضاع و شرایط جوامع مختلف است. او معتقد است در صورت فقدان آخرین مدل حکومتی، «دولت فاضله» با زوال و فروپاشی روبه‌رو می‌شود و از این‌جا بحث دولت‌ها و حکومت‌های غیرفاضله بر اساس آرا و افعال غیرفاضله مطرح می‌شود و بر اساس معارف قرآنی چهارگونه حکومت غیرفاضله متصور است:

الف - حکومت جاهله؛ ب - حکومت مبدله؛ ج - حکومت فاسقه؛ د - حکومت ضاله. هر کدام از آنها با توجه به اهداف و غایات و کار ویژه‌های خود به‌شش مدل حکومتی تقسیم می‌شوند و چون هر مدلی در یکی از سطوح مختلف «دولت» قابل تحقق است؛ مجموع حکومت‌های فاضله به ۷۲ نوع مدل حکومتی غیرفاضله تقسیم می‌شود.

دولت، نوسازی و هویت ایرانی

استاد راهنما: دکتر حمید احمدی

استاد مشاور: روح‌الله حسینیان

دانشجو: علی‌رضا زهیری

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

با روی کار آمدن دولت نوگرای رضاشاهی، عصر نوسازی به‌طور واقعی در ایران آغاز گشت. فرآیند نوسازی از همان ابتدا، چالش میان فرآیند نوسازی و ارزش‌های دینی را در پی داشت. شکاف حاصل از این منازعه تا روزهای آخر عمر سلسله پهلوی ادامه داشت. نخبگان عصر پهلوی برای حل بحران‌های حاصل از این منازعه، دست به تلاش‌های گسترده‌ای زدند. مهم‌ترین رویکرد آنان در قبال این چالش، دست‌یازیدن به ایرانی‌گرایی مبتنی بر ارزش‌های ایران پیش از اسلام بود. آنان برای تضعیف مذهب که آن را مانع اساسی در قبال نوسازی می‌پنداشتند، به آفرینش هویت ملی جدید که با ارزش‌های دینی بیگانه است، دست زدند. آنچه حاصل چنین فرآیندی بود، شامل موارد زیر می‌شد: ۱- همگرایی تجدد و ناسیونالیسم؛ ۲- ظهور ناسیونالیسم ضد استعماری؛ ۳-

تشدید چالش میان سنت و نوسازی؛ ۴- تضعیف مذهب به عنوان مانع نوسازی؛ ۵- منفعل شدن فزاینده نیروهای سنت‌گرا.

با ظهور امام خمینی در عرصه تحولات سیاسی ایران، چالشی سخت و مستمر میان نیروهای چالش‌گر و رژیم سیاسی درگرفت که سرانجام به تخریب ساختار کهنه نظام شاهنشاهی و تأسیس جمهوری اسلامی منجر شد.

دهه اول انقلاب باگفتمانی مبتنی بر ارزش‌های دینی، در پی آن بود تا امنیت از دست رفته دنیای سنتی را با عرضه ایدئولوژی فراگیری جبران نماید. بنابراین با نفی ارزش‌های رژیم پیشین، اراده خود را برای دگرگونی در ساختارهای پیشین معطوف ساخت و با وام‌گیری از اندیشه‌های سیاسی شیعی به اصلاح و جایگزین کردن ارزش‌های دینی پرداخت. بدین ترتیب، نوسازی به مفهوم اصلاح و پالایش اخلاق جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی آغاز گردید. بنابراین، علاوه بر طرد فرآیند نوسازی به مفهوم رایج آن، ملت‌گرایی و ارکان غیردینی هویت ایرانی نیز مورد انکار قرار گرفت.

پس از گذار از دوران دشوار پرتنش دهه اول انقلاب، دوره دوم، «دوران سازندگی» نام گرفت. در این دوران، شرایط و الزامات درونی و بیرونی موجب تحول در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور گردید و دولت هاشمی رفسنجانی، نوسازی اقتصادی را به عنوان هدف اصلی برنامه‌های خود قرار داد.

بدین ترتیب، دوران تازه‌ای از چالش میان سنت و نوسازی در حیات جمهوری اسلامی ایران، آغاز گردید. این چالش در اواخر دهه دوم به ویژه در دولت محمد خاتمی آشکارتر شد. در همین زمان از سوی نخبگان غیررسمی، احیای ارزش‌های ملی، به معنای مطالبات جدیدی بود که دولت‌های وقت را وادار به اتخاذ رویکردهای تازه‌ای در قبال هویت ملی می‌نمود. بنابراین، در یک چارچوب جدیدی، نخبگان رسمی در تلاش اند با پیوند میان دو لایه سنت‌های دینی و هویت ملی فرهنگ ایرانی، آن دو را در مجموعه‌ای واحد و منسجم در کنار یکدیگر قرار دهند.

آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله مطهری و آیت الله بهشتی

استاد راهنما: دکتر علی رضا صدرا

استاد مشاور: منصور میر احمدی

دانشجو: شریف لکزایی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

موضوعاتی نظیر آزادی و به ویژه آزادی سیاسی، همواره محور بحث و گفت‌وگوهای فراوان بوده است؛ اما پاسخ اندیشمندان مسلمان شیعی به این پرسش که «آزادی سیاسی چیست؟»، کمتر مورد بحث و پژوهش قرار گرفته است. پژوهش حاضر، به این بحث از زاویه نگاه آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مطهری می‌پردازد و در پی پرسش فوق، این فرضیه را مطرح می‌سازد که: آزادی سیاسی عبارت است از: فقدان موانع رشد و تکامل و وجود شرایط رشد و تکامل فرد در عرصه اجتماع.

بهشتی و مطهری در بحث از آزادی، معتقدند که آزادی، گوهر آدمی و نشان‌گر هویت و شخصیت انسان است. از این رو، انسان می‌تواند در زندگی خود دست به انتخاب‌گری بزند و زندگی، محیط، جامعه و نظام سیاسی خویش را ساخته و در آن تأثیرگذار باشد. برقراری یک نظام سیاسی، منوط به پذیرش و اقبال مردم است. مردم در نظام سیاسی از حق رأی و آزادی انتخاب برخوردارند و می‌توانند نسبت به امور نامطلوب، واکنش نشان داده، انتقاد و اعتراض کنند و بر عملکرد مسئولین نظارت داشته باشند. از دیگر سوی، کارگزاران نظام سیاسی نیز در هر سطحی می‌بایست نسبت به مردم پاسخگو باشند. در چنین نظامی، احزاب و گروه‌های سیاسی در چارچوب قانون شکل گرفته و به فعالیت می‌پردازند.

به هر روی، با توجه به بحث‌های ارایه شده در پاسخ «چیستی آزادی سیاسی در اندیشه بهشتی و مطهری»، این نتیجه به دست می‌آید که: آزادی سیاسی زدودن موانع و برقراری شرایط رشد و تکامل آدمی در سطح جامعه است. موانعی که رودرروی انسان قرار دارند، عبارتند از: استبداد، ظلم و ستم، جهل، فقدان قانون، هوا و هوس‌های درون و شهوات. شرایطی که منجر به بهبود وضعیت آزادی سیاسی می‌شوند نیز عبارتند از: حکومت قانون و نظم، آگاهی، برقراری عدالت و وجود معنویت. هنگامی که موانع،

زدوده و شرایط مهیا شد، رابطه‌ای میان مردم و حاکم شکل می‌گیرد که با عنوان «آزادی سیاسی» می‌توان از آن یاد نمود. به عبارتی، آزادی سیاسی را می‌توان بیان رابطه‌ی متقابل حاکمان و شهروندان دانست.

اندیشه سیاسی علامه محمد تقی جعفری (ره)

استاد راهنما: دکتر سید احمد موثقی

استاد مشاور: سید صادق حقیقت

دانشجو: جواد نجاتی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

در این تحقیق، اندیشه سیاسی علامه محمد تقی جعفری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این پژوهش دارای دو بخش و هر بخش نیز دارای دو فصل می‌باشد. در فصل اول از بخش نخست، زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی استاد جعفری مورد بحث قرار گرفته و در فصل دوم از همین بخش، بحران‌ها و مشکلات سیاسی و اجتماعی زمانه مورد بررسی واقع شده است. بخش دوم نیز دارای دو فصل است: فصل اول، سیاست و قدرت را بررسی نموده در فصل دوم نیز انواع حکومت از دیدگاه استاد جعفری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. و علامه جعفری سه نوع حکومت را مطرح می‌کنند: الف) حکومت خودکامه؛ ب) حکومت لایق؛ ج) حکومت الهی. به اعتقاد علامه جعفری، حکومت نوع اول پاسخ‌گوی مشکلات سیاسی و اجتماعی نخواهد بود. و نوع دوم نیز تنها قسمتی از مشکلات و نابسامانی‌های سیاسی اجتماعی را بر طرف می‌کنند و سرانجام نوع سوم یعنی حکومت الهی اگر چه از نظر تعداد بسیار کم بوده و به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد، اما می‌تواند پاسخ‌گوی معضلات و مشکلات و نیز بحران‌های سیاسی و اجتماعی باشد.

عناصر نظارتی در حکومت اسلامی

استاد راهنما: محمد جواد ارسطا

استاد مشاور: نجف لکزایی

دانشجو: حسن افخمی اردکانی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

قدرت، محور اساسی در روابط سیاسی جامعه است و به همین دلیل، مباحث مختلفی در حول و حوش آن مطرح است. یکی از مباحث عمده‌ای که پیرامون موضوع قدرت قابل طرح می‌باشد، بحث کنترل و نظارت بر قدرت است. چرا که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، کشورهایی که قدرت در آنها به صورت مطلق و متمرکز و بدون هیچ عنصر نظارتی حاکم است، دیر یا زود به فساد کشیده شده و از ایفای نقش اصلی که حفظ منافع ملی کشور است، باز می‌مانند.

بنابراین، امروز کشورهای زیادی هستند که برای فرار از این حالت، به ساز و کارهایی متمسک شده‌اند تا بر قدرت حاکم کشور نظارت و کنترل کرد، و آن را در مسیر درست هدایت کنند.

بر همین اساس، در حکومت اسلامی نیز چهار عنصر اساسی برای نظارت بر قدرت پیش بینی شده است که عبارتند از:

۱- بیعت؛ ۲- امر به معروف و نهی از منکر؛ ۳- نصیحت ائمه مسلمین؛ ۴- شورا. که مردم در قالب این چهار عنصر، نقش اساسی خود را در کنترل قدرت حاکمه ایفا می‌کنند. همچنین در حکومت اسلامی، بحث صفات و خصوصیات شخصی حاکم نیز مطرح است که این نوع عناصر نظارتی، در حکومت‌های غیر دینی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.